

# سرگذشت دردناک تیم فوتبال اردبیل و سؤالات بی جواب

یک هفته به پایان رقابت های لیگ دسته دوم باشگاههای کشور باقی مانده است. جدول رقابت ها نشان می دهد که دیگر نباید به بقای نماینده اردبیل در لیگ امیدوار شد. استانی با پیشینه و سابقه درخشان در فوتبال، به حال و روزی دچار شده است که گریه کردن به حال آن واجب، لازم و ضروری است.

امسال ابر و باد و مه و خورشید و فلک و خلاصه عوامل متعدد دست به دست هم دادند و سرنوشتی بسیار غم انگیز و دردآور برای فوتبال اردبیل رقم زدند. برخی ها هم که همیشه در گوشه ای نشسته و منتظر گل آلود کردن آب هستند، تا ضربه ای به در می خورد وارد گود می شوند و برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده به هر وسیله ای متوسل شده و زمین و زمان را مورد حمله قرار می دهند.

برای بررسی دقیق علل افت فوتبال اردبیل و سقوط نماینده آن به لیگ دسته سوم نیاز به یک کار علمی است. در حال حاضر هر کس به پشتوانه داشته ها و اطلاعاتی که دارد در این رابطه قضاوت کرده و نوک پیکان حمله را متوجه عوامل متعدد می کند.

این که فوتبال اردبیل بدترین روزها و هفته های دوران حیات خود را در این روزها سپری می کند ادعایی درست و اصولی است. ضربه اولیه برای کوک کردن ساز نابودی و فنای تیم شهرداری از کجا بر پیکر این تیم وارد شد؟ چرا شورایی ها علم مخالفت با تیم داری شهرداری را بر افراشتند؟ چرا در مدت کم تر از دو سال سازمان فرهنگی ورزشی تغییرات متعددی را متحمل شد؟ به چه دلیل زمانی که تیم در رقابت های دسته یک، هفته های بسیار حساس در مراحل پایانی لیگ را در پیش رو داشت برخی از شورایی ها مدام و به نوبت بر علیه تیم و سازمان فرهنگی ورزشی سخن گفتند و بحث واگذاری تیم را به دفعات مطرح نمودند؟ چرا در ایامی که تیم نیاز به حمایت و پشتیبانی معنوی داشت، آقایان مسؤول هر روز بحث جدید و فصلی نو در امر واگذاری گشودند و روی آن مانور دادند؟ به چه دلیلی در مورد واگذاری، آقایان در پشت صحنه، خود نشستند و بریدند و دوختند و به یکی از متقاضیان وعده های آنچنانی داده و کار واگذاری را تمام کردند و برای پوشاندن لباس قانونی به آن، کمیته سرکاری تشخیص اهلیت را مطرح کردند؟ اگر نظر کمیته سرکاری، ملاک عمل بود به چه علت آقایان با نادیده گرفتن یکی از مصوبات کمیته سرکاری، سفته را جایگزین

ضمانت نامه بانگی نمودند؟ به چه دلیلی نزدیک به چهار ماه مجید حیدری مدیر عامل آبی پوشان را به مانند توپ فوتبال این طرف و آن طرف شوت کردند و در نهایت آنهایی که او را به فوتبال اردبیل معرفی کرده و با قربان و صدقه به قبول مسؤولیت تیم وادارش کرده بودند ، پیشنهاد استعفا داده و بالاخره از اردبیل فراریش دادند؟ چرا علی رغم اعلام آمادگی هیات فوتبال استان و علی آستانه، باز معضلات انتقال را نتوانستند حل نمایند؟ چرا وقتی آقایان به آن حد برای انتقال امتیاز تیم به بخش خصوصی اصرار داشتند، قبل از اقدام به واگذاری زمینه های لازم برای انتقال را فراهم نکردند و دست به کاری زدند که درست مانند آب در هاون کوبیدن بود؟ چرا بحث تعویض سرمربیان با هر اتفاقی مطرح می شد، و به چه دلیل احد شیخ لاری فرار را بر قرار ترجیح داد و او در قبال چه خواست ها و چه فشارهایی ایستادگی کرد؟ بحث هزینه های تیم داری در دو سال گذشته چرا شفاف سازی نمی شود و هر روز در ارتباط با آن حرف و حدیث تازه ای مطرح می شود؟ جریان چسبیده ها و آویزان ها از تیم چیست و آنها از طرف چه کسانی مورد حمایت و پشتیبانی قرار می گیرند؟ نقش اداره کل ورزش و جوانان و هیات فوتبال استان در سرنوشت تیم چه بوده است؟ و دهها سوال دیگر که اگر به همه آنها جوابی قانع کننده پیدا شود با قرار دادن شان در کنار یکدیگر می توان به علل فاجعه فوتبال اردبیل پی برد.

در مقطعی مجید حیدری متهم ردیف اول ناکامی تیم شهرداری لقب گرفت. او به طرق مختلف مورد حمله قرار داشت . در کنار ضعف ها و اشتباه هایی که داشت عده ای او را سپری برای رسیدن به آنچه که در برنامه هایشان بود، قرار دادند. بزرگ ترین اشتباه حیدری آن بود که در آغاز کار، واقعیت ها را با جامعه فوتبال استان در میان نگذاشت. او باید رک و راست می گفت که با وعده آقایان مبنی بر کمک 600 میلیون تومانی پا در این عرصه گذاشته است. در همان روز اول اعلام می کرد، از نظر مالی فرد توانایی نیست ولی به او گفته اند بیا مسؤولیت تیم را بپذیر، از شما حمایت می شود. عدم شفاف سازی بزرگ ترین خطای وی بود.

اما اگر چه او در اردبیل مظلوم واقع شد و در روزهای آخر نتوانست زیر فشارها دوام بیاورد و جوابگوی هزینه های انجام یافته بشود ، برای آرام کردن وضع، به وعده های بی اساس روی آورد ولی به حق، آنچه در توان داشت تلاش کرد. او علی رغم آن که از نظر مالی در وضعیت مساعدی نبود ولی باید پذیرفت که هزینه هایی برای تیم انجام داده است. هزینه ها برای تیمی که نه به نامش بود و نه سودی از کنار آن برده است. او هم مانده است که جواب طلبکاران را چه بدهد.

امیدوار است که مسؤولین و دست اندرکاران هزینه های انجام یافته توسط وی را پرداخت نمایند تا او هم با طلبکاران تسویه نماید. به هر حال امید می رود آنهایی که بانی و باعث سقوط تیم از لیگ دسته دوم به سوم شدند و زمینه آن را فراهم کردند حداقل به یکی از بندهای قراردادی که هرگز توسط دو طرف واگذار کننده و تحویل گیرنده امضاء نشد، خود اقدام کنند و از حالا به فکر خرید امتیاز یک تیم دسته دومی باشند.

کسانی که در حق فوتبال و فونبالدوستان اردبیلی با تصمیمات خودشان کم لطفی کرده و آن را به عمق دره ای خطرناک پرت نمودند، باید تا فرصت باقی است نسبت به جبران اقدام کنند .

اردبیل در فوتبال، جایگاه و مرتبتش، در بدری، بی خانمانی و تحقیر شدن نیست. این منطقه و جوانان لایق و صبور آن نشان داده اند که همیشه سرافرازند و برترند . پس این برتری و سرافرازی آنها نباید در سایه افکار عده ای غیر متخصص پر ادعا در زیر سایه قرار بگیرد. خرید امتیاز یک تیم دسته دومی برای فصل آینده کوچک ترین کاری است که آقایان می توانند در حق فوتبال و تماشاگران و جوانان منطقه بکنند.

ممکن است آقایان که ید طولانی در طرح مسایل جزئی برای سرپوش گذاشتن به مسائل کلی را دارند، این بار نیز از همین امروز تلاش خود را آغاز می بکنند و دست به دامن شدن به مسائل فرعی، اصل قضیه و ظلم در حق فوتبال را بخواهند تحت پوشش قرار دهند. برای ناکام گذاشتن حضرات که می توانند با استفاده از عوامل و تریبون های مختلف انجام بگیرد هوشیاری تماشاگران و علاقه مندان برای تن ندادن به فضا سازی آنها و طرح خواسته اصولی مبنی بر تامین خسارت وارده به فوتبال منطقه توسط عاملین و بانیان اصلی مورد نیاز می باشد.